

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی

واکاوی نقل دینی در منظومه زرین‌قبانامه^۱

محمد نجاری*

ابوالقاسم قوام**

چکیده

زرین‌قبانامه، از سراینده‌ای ناشناس، یکی از متون منظوم پهلوانی نقالی / عامیانه در دوران صفوی است. ناظم زرین‌قبانامه گاهی داستان‌های متن را از زبان پیر گوهر فروش و ترجمان نقل کرده است که قرینه‌ای بر شفاهی / شنیداری بودن روایات منظومه به‌شمار می‌آید. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که منظومه‌های نقالی، از جمله زرین‌قبانامه، چه نقش و تأثیری در گفتمان فرهنگ دینی عصر صفوی داشته‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، به‌شیوه تحلیلی و با روش کمی در گزینش داده‌ها و با روش کیفی در تحلیل یافته‌ها، موضوع مقاله بررسی شده و این نتیجه به‌دست آمده است که نقالی راهی برای تبلیغ و ترویج مذهب در دوران صفوی بوده است. تاریخ نقالی در ایران نشان می‌دهد که از قرن سوم هجری قمری که ایرانیان به نقل داستان‌ها و حکایت‌های حماسی می‌پرداختند تا با نفوذ اعراب مبارزه کنند و هم‌چنین از زمان پیدایش گرایش‌های شیعه و سنی، که دو گروه مناقب‌خوان و فضایل‌خوان را در برابر هم قرار داد، نقالی پیشه‌ای اثرگذار در گفتمان دینی عصر خود بوده است؛ به‌ویژه در دوران صفوی، که عصر رونق شاهنامه‌خوانان و نقالان بوده و گاه میان روایت‌های حماسی یلان و پهلوانان با مذهب رایج تعارض احساس می‌شده است، نقالی گفتمان فرهنگ دینی به‌شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: عصر صفوی، زرین‌قبانامه، گفتمان دینی، نقالی.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، mohamadnajari59@gmail.com
** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، mnajari75@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۳

۱. مقدمه و بیان مسئله

حماسه از مؤثرترین انواع ادبی است که روح ادبی و افتخار قومی را نه تنها در کالبد جامعه جاری می‌کند، بلکه فرازمانی و فرامکانی است؛ این جریان پویا از سرچشمه افتخارات ملی، قومی، عقیدتی، و هویتی ملت می‌جوشد و در گذر زمان استحاله می‌یابد، اما هرگز پایان نمی‌پذیرد و تغییر چهره آن بسته به شرایط و عواملی است که در هر دوره و زمان متفاوت است.

شفاهی بودن عاملی است که روند شکل‌گیری و تحول و دگرگونی آثار حماسی بدان وابسته بود و نگارش سطحی بود که دگرذیبی روایات حماسی و غنایی در آن متوقف می‌شد. متون اصلی شکل‌دهنده این آثار را (هم‌چون اساطیر) باید متونی ذهنی به‌شمار آورد که در اعصار متأخر آراسته شدن به خط و کتابت این متون ذهنی را به متونی مکتوب تبدیل کرد (قائمی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

متون نقالی جزء ادبیات عامه به حساب می‌آید. بنابراین، در آن آداب و رسوم و لغات کوچه و بازار بسیار دیده می‌شود. «سنت شعر و سرایندگی، به‌ویژه درباره سروده‌های مذهبی، حتی قبل از هخامنشیان، در میان اقوام مادی و پارسی وجود داشته است» (همان: ۸۳). زرین‌قبانامه یکی از متون منظوم پهلوانی نقالی - عامیانه در دوران صفویه است. «این متن جزء میراث ادب حماسی ایران به‌شمار می‌آید، داستان‌ها و اشارات آن را نیز باید جزئی از اخبار ملی - پهلوانی دانست» (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

ساختار هر جامعه کوچک و بزرگی، خواه جامعه مدرن و خواه سنتی، چونان حلقه‌هایی تودرتو و درهم‌پیچیده شده است. حلقه‌های به‌هم‌پیوسته و درهم‌تنیده جامعه از زیرساخت‌های گوناگون تشکیل شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، جامعه ساختاری کلی دارد که از چندین زیرساخت (مجموعه) تشکیل شده است و هرکدام از این مجموعه‌ها در یک‌دیگر اثرگذارند؛ چونان که ساختار فرهنگ از ادب، هنر، مدنیت، و ... تشکیل شده است و هرکدام نیز از چند زیرساخت دیگر تشکیل شده‌اند. جامعه ایران و مناطق تحت نفوذ پادشاهان صفوی نیز از این قاعده مستثنا نیست. ساختار جوامع درهم‌پیچیده و زنجیروار است. هر حادثه‌ای در خرد و کلان این ساختار اثرگذار خواهد بود و پیامدهای مثبت یا منفی آن در اجزای دیگر نمایان خواهد شد. بنابراین، فضای حاکم بر جامعه و گفتمان‌های غالب آن در اثر ادبی تجلی می‌یابد. به‌دیگرسخن، اثر ادبی را دارای نسبت دوسویه علی و معلولی می‌دانند؛ اثر از جامعه تأثیر می‌پذیرد و در جامعه اثر می‌گذارد؛ در عرصه دوم،

به‌ویژه متون غیربرجسته، تأثیرپذیری بیش‌تر از اثرگذاری است و البته شدت و ضعف این مسئله به قدرت و جاذبه‌های متن بستگی دارد.

زرین‌قبانامه اثری در بطن عهد صفوی و متأثر از اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی آن دوره است. مباحث تأثیری و تأثیری در زنجیره هم‌زمانی متن موشکافی می‌شود و عمق و ژرفای خاص این تأثیر و تأثر ثابت می‌کند که نه تنها زرین‌قبانامه، بلکه هر اثر ادبی از فاعلان خود تغذیه می‌کند. این فاعلان نویسندگان، شاعران، یا هنرمندانی‌اند که خود تحت تأثیر جامعه و محیط قرار گرفته‌اند و جامعه نیز از فاعل دیگری تأثیر پذیرفته و این زنجیره ادامه می‌یابد.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که منظومه‌های نقالی، از جمله زرین‌قبانامه، چه نقش و تأثیری در گفتمان فرهنگ دینی عصر صفوی داشته‌اند؟

صفویان از سال ۹۰۷-۱۱۴۸ ق در ایران فرمان‌روایی کردند و نخستین نمودهای گفتمان فرهنگ دینی این عصر را می‌توان در انتخاب عنوان آنان، یعنی «صفوی»، دید که از شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی گرفته شده و با ادعای سیادت و تشیع و تصوف اجدادشان قرین است. از دیدگاه سیاسی و اجتماعی، در دوران حکومت پادشاهان صفوی بخش بزرگی از ایران به فرمان دولتی واحد درآمد و نوعی وحدت بر ایران سایه انداخت که با تکیه بر مذهب تشیع رنگ‌وبوی دینی داشت. وقتی از گفتمان دینی در عصر صفوی سخن می‌گوییم، مراد ما از گفتمان یک نظام معنایی است که شیوه خاصی از بازنمایی جهان است و گاه معنایی نزدیک به ایدئولوژی دارد (هال، ۱۳۸۶: ۶۲-۹۶). آیین‌های اجتماعی و هنر و ادبیات عصر صفوی همه نظام معنایی واحدی را شکل می‌دهند که مذهب تشیع و کنش و واکنش ساختارهای اجتماعی در برابر آن دال مرکزی‌اند و چه در تحلیل‌های جامعه‌شناختی چه در رمزگشایی‌های ادبی و هنری نقش محوری دارند. به‌همین سان نقش جامعه‌شناسانه نقالی با عنایت به مذهب تشیع و دغدغه‌های رواج آن قابل فهم است.

مذهب شیعه دوازده‌امامی در عصر صفویه پایه‌گذاری شد و دغدغه دولت تشکیل ملتی واحد با مذهبی خاص بود که تلاش برای بقا و تبلیغ آن باعث رواج نقالی و بعدها شکل‌گیری نوع ادبی نمایشی شد.

دولت صفوی دارای دو ارزش اساسی و حیاتی است: نخست، ایجاد ملتی واحد با مسئولیتی واحد در برابر مهاجمان و دشمنان و نیز در مقابل سرکشان و عاصیان بر حکومت مرکزی؛ دوم، ایجاد ملتی دارای مذهبی خاص که بدان شناخته شده و به‌خاطر

دفاع از همان مذهب دشواری‌های بزرگ را در برابر هجوم‌های دو دولت نیرومند شرقی و غربی تحمل نموده است (صفا، ۱۳۶۳: ج ۵، ۶۹-۷۰).

شاه‌عباس اول به وحدت سیاسی، مذهبی، ملی، ثبات اقتصادی، و آرامش نسبی اهمیت بسیار می‌داد و استفاده از داستان‌گزاران بهترین تبلیغ برای این موارد بود؛

بر اثر رواج سنت قصه‌خوانی و علاقه همگانی به شنیدن داستان، به‌ویژه دل‌بستگی باطنی ایرانیان به شاهنامه و یلان و شهریاران آن و بر سر همه رستم، رابیان و داستان‌پردازان و ناظران درکنار داستان‌های مذهبی، تاریخی، و غنایی به آفریدن، تدوین، و نظم روایات ملی-پهلوانی ایران با توجه مخصوص به رستم و پهلوانان خاندان او پرداختند که نتیجه آن به‌وجود آمدن روایات و طومارهای نقالی و منظومه‌ها یا مثنوی‌هایی درباره دلاوران سیستان است (زرین‌قباتنامه، ۱۳۹۳: ۳۶).

روند شکل‌گیری نقالی و گونه‌ای از ادبیات نمایشی در عصر صفویه با شاهنامه‌خوانی قزلباشان شروع شد. قزلباش فردی بود که در جنگ‌ها شرکت می‌کرد و برای حفظ و تقویت روحیه جنگی به شاهنامه‌خوانی یا رواج آن می‌پرداخت.

هرچند قزلباشان بیش‌تر به ترکی سخن می‌گفتند و در دربار و میان رجال زبان ترکی رواج داشت، با این حال شاهنامه‌خوانی بیش از هر زمان دیگری رواج داشته است، چراکه نقل شاهنامه موجب تهییج روح مردانگی و دلاوری بود و قزلباشان که وظیفه‌شان حفظ این روحیه بود، از تماشاگران پروپاقرص شاهنامه‌خوانی بودند و گاه نیز نقالی می‌کردند (نجم، ۱۳۹۰: ۷۴).

اما شاهنامه‌خوانی به میدان‌های جنگ محدود نبود و شاهنامه‌خوانان هم در محافل عام مانند قهوه‌خانه‌ها و کوکنارخانه‌ها و هم در محافل خاص مانند ضیافت‌ها و مجالس خصوصی شاهان نقالی می‌کردند و گاه از مواجب معین بهره می‌بردند.

آن‌چه مسلم است، به سبب رسمیت‌یافتن تشیع در دوران صفویه و توجه سلاطین صفوی به نظم و نثر مذهبی و اهمیت‌های آن در این دوره، به خصوص شعر حماسی که تا اوایل دوران صفویه در اوج بود به تدریج پویایی و زاینده‌گی خود را از دست داد و طبعاً شاعران مخلص ایرانی که به خاندان پیامبر عشق می‌ورزیدند به جای ستایش شاهان و قهرمانان حماسی به توصیف پیامبر (ص) و ائمه اطهار پرداختند و مدح و مرثیه آل‌علی (ع) رواج یافت (همان: ۷۶).

عاشورپور هم تأکید می‌کند:

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۲۹

نوعی دیگر از هنرهای بازمانده ایرانیان قبل از اسلام، و متداول در عصر صفوی، هنر قصه‌خوانی و قصه‌گویی بود که صفویان آن را برای تبلیغ اغراض سیاسی خویش مناسب دیدند و به آن روی خوش نشان داده و به حمایت از آن پرداختند (عاشورپور، ۱۳۸۹: ۲۳۲).

ترکیب شدن این دو مقوله، یعنی نقالی مذهبی و حماسی، از ویژگی‌های مهم قصه‌ها و محافل قصه‌گویان در عصر صفوی است و بسیاری از نقالان این زمان در هر دو سبک مذهبی و حماسی تبحر داشته‌اند. تأسیس قهوه‌خانه‌ها در این دوره باعث شکل‌گیری و رشد ادبیات شفاهی شد. شاه‌عباس صفوی علاقه فراوان به نقل و نقالی داشت و به اشعار شاهنامه توجه بسیار می‌کرد.

با روی کار آمدن شاه‌عباس وضع [دگرگون] شد و تلاش کرد نقالان دوره‌گرد را در قهوه‌خانه‌ها جای دهد، چراکه متوجه شده بود که قهوه‌خانه‌ها به مراکز سیاسی تبدیل شده و افراد در قهوه‌خانه‌ها به انتقاد از دولت می‌پردازند و وارد امور سیاسی می‌شوند (همان: ۲۲۶).

با این کار قهوه‌خانه‌دارها ملزم به استخدام نقالان شدند تا زمان ازدحام و شلوغی مردم در قهوه‌خانه‌ها نقالان به نقالی بپردازند و این‌گونه ذهن مردم از مسائل سیاسی متفرق بشود؛ البته نقالی در گذرها، میادین، و دیگر محل‌ها غیر از قهوه‌خانه هم چنان رواج داشت. در مجموع،

... کار نقالی به صورت کم‌وبیش شبیه امروز از زمان شاه‌اسماعیل صفوی شروع شد و خود اسماعیل مشوق و مروج بزرگ آن بود و مقصودش هم دراصل رواج و رسوخ مذهب شیعه اثنی‌عشری بود در ذهن و روح مردم و برای این کار هفده سلسله را مأمور کرد که هرکدام در جایی و به لباسی و به طرز جدی جداگانه مقصود او را تبلیغ کنند و مثلاً بعضی مداحی ائمه را می‌کردند و بعضی در زورخانه‌ها شعر می‌خواندند و دسته‌ای مانند قاضی‌های قشونی برای قشون سخن‌سرایی می‌کردند و آداب شریعت و رسوم ملی و پهلوانی را می‌گفتند و همه این دسته‌ها برای آن‌که مردم را به سخن خود جلب کنند و مدح و ثنایی که از آل‌علی (ع) می‌کنند توی ذوق مردم نخورد، ناچار داستان‌ها و روایات پهلوانی را چاشنی سخن خود می‌کردند و رفته‌رفته این کار، یعنی داستان‌گویی، خودش رواج گرفت و بعدها دیدند که خیلی اهمیت دارد ... (اشکوری، ۱۳۵۴: ۱۴۶).

نقالی با آداب و اصولی همراه بود که آیین‌های اجتماعی ویژه‌ای را به‌ظهور رساند و می‌توان درباره جنبه‌های جامعه‌شناختی آن سخن گفت. برای مثال، شیوه خاص اجرای

نقالان شامل ایستادن بر تختی در میان قهوه‌خانه، طلب صلوات در زمان‌های خاص، یا به‌کارگیری یک عصا در میان نقل جایگاه ویژه اجتماعی نقال را بین مخاطبان تعیین می‌کرد و از این حیث می‌توان تأثیر این صنف/ هنرمند را در جامعه واکاوی کرد. این امر درباره گفت‌وگوهای فرهنگی دینی نمایان‌تر است که با موضوع و محتوای نقالی‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد، اما واکاوی نقش و تأثیر نقالی در گفت‌وگوهای فرهنگی دینی عصر صفوی به دلایل مختلف جامعه‌شناختی قابل توجه است که برخی از آن‌ها در ادامه فهرست شده‌اند (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۳۵-۶۴)

- برخورداری نقالی از خاستگاه مردمی؛
 - ارتباط نقالی با موضوعات ملی؛
 - تعارض و تضاد قصه‌های یلان و پهلوانان ملی با مذهب رایج؛
 - اثرگذاری و شورانگیزی داستان‌های نقالان در میان عموم مردم؛
 - گسترانیده شدن نقالی به بیرون از مرزهای جغرافیایی؛
 - افزوده شدن بانوان به نقالان مرد؛
 - گسترانیده شدن نفوذ حضور فن نقالی به ادبیات و هنر رسمی؛
 - اثرگذاری روایات نقالی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای که منشأ مردمی دارد و نیز در نگاره‌های رسمی در بعضی دست‌نویس‌های شاهنامه؛
 - ایفای نقش نقالان در جایگاه گروهی اجتماعی که نظام آموزشی ویژه خود را داشتند؛
 - عجین بودن نقل و نقالی با مکان و زمان خاص اجتماعی، یعنی قهوه‌خانه‌ها و شب‌های ماه رمضان؛
 - جامعیت نقالی در تأمین دو جنبه سرگرمی و تعلیمی؛
- و سایر موارد.

۲. پیشینه پژوهش

الف) درباره زرین‌قبانامه که یکی از منظومه‌های پهلوانی نقالی - عامیانه است پژوهش‌های بسیار اندکی انجام گرفته است که به ترتیب انتشار بدان‌ها پرداخته خواهد شد:

- نخستین بار در کتاب سیمرغ در قلمرو فرهنگ ایران، در بخش سیمرغ چاره‌گر حماسه‌ها، پس از بررسی نقش و حضور سیمرغ در شاهنامه، گرشاسب‌نامه، و

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۳۱

فرامرنامه این اثر مورد توجه قرار گرفته و نویسنده به نسخه بی نام این اثر اشاره کرده و متن را تقلیدی از حماسه‌های دیگر و دارای رنگ کاملاً اسلامی دانسته است (سلطانی گردفرامری، ۱۳۷۲: ۶۶-۶۷).

- فرزاد قائمی در مقاله «معرفی انتقادی، متن‌شناسی، و نقد متنی حماسه ناشناخته شاهنامه اسدی» (۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۳۱) به این اثر پرداخته و با توجه به سبک ادبی و زبانی و محتوایی اثر و نیز ماده تاریخ در یکی از نسخ تاریخ پایان اثر را قرن نهم، سال ۸۰۹ق، دانسته است. در این مقاله، پس از معرفی متن و نسخه‌شناسی، خاستگاه روایت و نیز سبک‌شناسی متن بررسی شده و پژوهش‌گر این اثر را شاهنامه اسدی نامیده است.

- سجاد آیدنلو در مقاله‌ای با عنوان «چند واژه نادر و نویافته در منظومه پهلوانی زرین قبانامه» (۱۳۹۲: ۲۱-۳۸) به معرفی و توضیح ۳۰ واژه نادر یا ترکیب خاص در این اثر پرداخته که یا معانی آن‌ها ویژه این اثر است یا این که در بعضی فرهنگ‌ها بدون شاهد مثال ثبت شده‌اند.

- سجاد آیدنلو در مقاله مفصل «برخی نکات و بن‌مایه‌های داستان منظوم پهلوانی عامیانه زرین‌قبانامه» (۱۳۹۲) در فصل‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه اثر را ذیل چهار عنوان اصلی عناصر سامی - اسلامی، اشارات نادر و یگانه، موضوعات و مضامین، و الگوگیری از داستان‌های دیگر واکاوی کرده است.

- سجاد آیدنلو در مقاله دیگری، با نام «زرین‌قبانامه منظومه پهلوانی ناشناخته» (۱۳۹۳: ۳۷-۳۸)، ذیل هفت عنوان نام منظومه، سراینده، زمان نظم، موضوع، مأخذ، کیفیت نظم، و برخی ویژگی‌های سبکی این اثر را معرفی کرده و آن را دارای ۲۳۱۳۳ بیت دانسته است.

- در همین سال (۱۳۹۳) سجاد آیدنلو این اثر را با نام زرین‌قبانامه؛ منظومه‌ای پهلوانی و پیرو شاهنامه از عصر صفویه تصحیح کرده و مقدمه و تعلیقات مفصلی نیز بر آن نوشته است.

- فرزاد قائمی در مقاله «بررسی متن‌شناختی جایگاه سلیمان (ع) در روند تکوین حماسه‌های ایرانی» (۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۳۶) انگیزه‌های پیوند میان عناصر ملی و دینی در روند تکوین حماسه‌های ایرانی را بر مبنای کیفیت حضور سلیمان (ع) در این روند بررسی کرده و با نمونه قراردادن متن زرین‌قبانامه / شاهنامه اسدی به این نتیجه دست یافته است که سلیمان (ع) به علت مشابهت با شخصیت‌هایی که در بافت اساطیر ایرانی جای داشتند نقشی شاخص خواهد داشت.

- فرزاد قائمی در مقاله «متن‌شناسی انتقادی (نقد متنی) نسخ یکی از نظیره‌های شاهنامه فردوسی و ارائه الگوی عملی جدیدی برای ارزیابی کیفی - کمی نسخ یک متن به یاری مطالعه موردی» بار دیگر این اثر را «شاهنامه اسدی» نامیده و براساس قوانین دوازده‌گانه آند به طرح عملی این الگو در نقد متنی زرین‌قبانامه / شاهنامه اسدی پرداخته است (قائمی، ۱۳۹۵: ۳۴۳-۳۶۸).

- جلد چهارم دانش‌نامه فرهنگ مردم در مقاله‌ای به قلم بهمن دمشقی خیابانی ذیل مدخل «زرین‌قبانامه» نخست اثر را معرفی کرده و سپس در ذیل مدخل به عناصر «ادبیات عامه» در منظومه فوق پرداخته است (دمشقی خیابانی، ۱۳۹۵: ۷۲۳-۷۲۶).

- در مقاله «ظرفیت‌های نمایشی منظومه زرین‌قبانامه براساس شخصیت‌پردازی سلیمان نبی علیه‌السلام»، تألیف محمد نجاری و ابوالقاسم قوام، در مجله علمی - پژوهشی کهن‌نامه ادب پارسی، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵، این اثر از دیدگاه شخصیت‌پردازی نمایشی واکاوی شده است (نجاری و قوام، ۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۵۲).

- محمد نجاری در رساله دکتری با عنوان «نقد اسطوره‌ای زرین‌قبانامه بر مبنای نظریه یونگ» (۱۳۹۶)، با راه‌نمایی ابوالقاسم قوام و مشاوره سجاد آیدنلو در دانشگاه فردوسی مشهد، منظومه فوق را با نگاه اسطوره‌ای بررسی کرده است.

ب) درباره نقالی، صادق عاشورپور (۱۳۸۹) در جلد چهارم کتاب نمایش‌های ایرانی و سجاد آیدنلو (۱۳۸۸) در مقاله «مقدمه‌ای بر نقالی در ایران» به‌طور مستقل به این مبحث پرداخته‌اند. هم‌چنین بهرام بیضایی (۱۳۹۱) در بخش‌هایی از کتاب نمایش در ایران به نقالی پرداخته است.

در هیچ‌یک از منابع مذکور به رابطه نقالی و گفتمان دینی در یک متن مکتوب توجه نشده است. به‌همین سبب در این جستار بحث‌های هم‌زمانی و تأثیرات محیطی در گفتمان غالب عهد صفوی بررسی شده و در شرح ویژگی‌های جامعه‌شناختی نقالی در این دوران به کتاب زرین‌قبانامه استناد شده است.

۳. نقالی

نقالی بخشی از هنر نمایشی در ایران و برخی از کشورها هم‌چون هند، روسیه، چین، و ... است. بازیگر نقالی در ایران یک نفر و معمولاً یک مرد است، البته در دوران معاصر زنان نیز وارد این هنر سنتی و آداب و رسومی شده‌اند. «نقالی اسم فعل و نقال فاعل آن است.

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۳۳

به عبارت دیگر، نقال گوینده و آنچه او برای شنوندگان و بینندگان اجرا می‌کند نقل گفته می‌شود» (عاشورپور، ۱۳۸۹: ج ۴، ۱۱).

بهرام بیضایی در کتاب *نمایش در ایران* تعریف جامع و کاملی از نقالی و وظایف آن و هم‌چنین نقال ارائه می‌دهد:

نقالی عبارت است از نقل یک واقعه یا قصه، به شعر یا به نثر، با حرکات و حالات و بیان مناسب در برابر جمع. نقالی از آن جهت که قصد القای اندیشه خاصی را با توسل به استدلال ندارد و تکیه آن بیش‌تر بر احساسات تماشاگران است تا منطق ایشان، نیز از آن رو که موضوع آن داستان‌ها و قهرمانان بزرگ‌شده فوق طبیعی هستند و یا قصد واقع‌بینی صرف را ندارد، با خطابه متفاوت است. منظور از نقالی سرگرم کردن و برانگیختن هیجان‌ها و عواطف شنوندگان و بینندگان است به وسیله حکایت جذاب، لطف بیان، تسلط روحی بر جمع، و حرکات و حالات القاکننده و نمایشی نقال، به آن حد که بیننده او را هر دم به جای یکی از قهرمانان داستان ببیند، و به عبارت دیگر بتواند به تنهایی بازنگر همه اشخاص بازی باشد (بیضایی، ۱۳۹۱: ۶۵).

نقالی بر پایه محتوا و مضمون به دو بخش نقالی آیینی و نقالی حماسی تقسیم‌بندی می‌شود:

الف) نقالی آیینی: مناقب‌خوانی و فضایل‌خوانی، سخنوری، مدیحه‌خوانی، انواع مصیبت‌خوانی، مذکری، قوالی، چاووشی‌خوانی، و پرده‌داری؛

ب) نقالی حماسی: «شاهنامه‌خوانی و انواع داستان‌های حاشیه‌ای آن از روی شاهنامه یا طومار» (نجم، ۱۳۸۸: ۱۴۴). متن *زرین‌قبانامه* جزء گروه دوم، نقالی حماسی، است مضاف‌براین که این متن ویژگی‌های نقل مذهبی را نیز دارد.

چنان‌که اشاره شد، مرور تاریخچه نقالی در ایران ارتباط تنگاتنگ آن را با گفتمان دینی عصر صفوی نشان می‌دهد: قصه‌گویی در ایران از دوران پیش از اسلام رواج داشته است و طبق گفته ابن ندیم در کتاب *الفهرست* فرس اول نخستین کسانی بودند که افسانه‌هایی را که از زبان جانوران نقل می‌شد تصنیف کردند، اما ظهور نقال به معنای کسی که روایتی را در برابر جمع نقل می‌کند به روزگار پس از اسلام بازمی‌گردد و نخستین سندی که از این موضوع در دست است *عمون الاخبار* ابن قتیبه دینوری است. طبق این سند، از حدود قرن سوم تا قرن پنجم هجری، گروهی از ایرانیان با انگیزه مبارزه سیاسی و عقیدتی با نفوذ اعراب داستان‌ها و حکایت‌های حماسی را نقل می‌کردند. با پیدایش دو گرایش شیعه و

سنی گروه مناقب‌خوانان به‌ظهور رسیدند که روایت‌هایی را از جنگ‌ها و پهلوانی‌های حضرت علی (ع) نقل می‌کردند و دربرابر آنان فضایل‌خوانان ظاهر شدند که به نقل روی‌دادهایی دربارهٔ عمر و ابوبکر روی آوردند و البته با پذیرفته شدن مذهب شیعه، درحکم مذهب رسمی کشور، فضایل‌خوانی از میان رفت و مناقب‌خوانی هم کم‌رنگ شد، اما عصر صفویه عصر رونق شاهنامه‌خوانان و نقالان بود. از همین ایام است که پیوند نقالی با فرهنگ دینی عمیق‌تر می‌شود و در تقسیمات ذیل نقالی آشکارا با گونه‌های «حمله‌خوانی»، «روضه‌خوانی»، و «سخنوری» مواجه‌ایم. حمله‌خوانی عبارت است از نقل وقایعی از کتاب حملهٔ حیدری که دربارهٔ زندگی پیامبر (ص) و به‌ویژه جنگ‌های ایشان است؛ روضه‌خوانی عبارت است از ذکر وقایع و حوادث مذهبی و بخش عمدهٔ آن ذکر مصیبت است؛ و سخنوری هم به شب‌های ماه رمضان اختصاص داشته است که نخست درویشی اشعاری در مدح حضرت علی (ع) و رد تسنن می‌خوانده و به‌دنبال آن، مشاعره‌ای در همین زمینه شکل می‌گرفته و تا سحر ادامه داشته است (غروی، ۱۳۷۱: ۵۴-۶۰).

شایان ذکر است که به‌تصریح آیدنلو (۱۳۸۸: ۳۹) کلمات نقال و نقالی در روزگار صفویان کاربرد نداشته و برای نخستین‌بار در قرن سیزدهم وارد زبان فارسی شده‌اند، اما تاریخ دست‌نویس یک طومار نقالی مقارن با آخرین سال فرمان‌روایی شاه‌سلطان حسین صفوی است و درواقع رواج و رونق این فن را از عصر صفوی تا میانهٔ عهد پهلوی نشان می‌دهد (بیضایی، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۴؛ جعفریان، ۱۳۷۸: ۱۲۸).

۱.۳ انواع نقالی و شعر نقالی

از انواع شعر مذهبی پس از اسلام می‌توان موارد زیر را نام برد: ۱. شعر تبلیغی، ۲. شعر موعظه‌ای و تهنیتی، ۳. شعر شهادت (مصیبت)، ۴. شعر مرثیه‌ای و نوحه‌سرایی، ۵. منظومه‌های حماسی - مذهبی، ۶. مدیحه‌سرایی و اشعار منقبتی. این اشعار تأثیر بسیاری در شکل‌گیری انواع نقالی مذهبی داشته‌اند (نجم، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۳). زرین‌قبا‌نامه از انواع شعر تبلیغی - تعلیمی و منظومه‌های حماسی - مذهبی از متون نقالی عصر صفوی است. «این نوع شعر [شعر تبلیغی و تعلیمی] بیان‌گر و انتشاردهندهٔ اصول اعتقادی مربوط به مذهب یا فرقهٔ خاصی است که شاعر (و سپس نقال) آن سعی در تشویق و ترغیب دیگران به قبول این نوع شعر دارد» (همان: ۱۰۲). متن زرین‌قبا‌نامه وظیفهٔ تبلیغ و تعلیم دینی را دارد و در این زمینه از عنصر سامی - اسلامی حضرت سلیمان (ع) برای تبلیغ دین استفاده کرده است.

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۳۵

چه گویند در دین و آیین‌ها که دین سلیمان بود دین ما

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: بیت ۶۰۸)

و «این منظومه‌ها [منظومه‌های حماسی – مذهبی] دربارهٔ قهرمانی‌های بزرگ‌ترین شخصیت‌های دینی یا قومی سروده می‌شده‌اند. مانند: حضرت علی (ع)، حمزه سیدالشهدا، اولاد امامان، و ...» (نجم، ۱۳۹۰: ۱۰۳). بخش عظیمی از زرین‌قبانامه دربارهٔ حضرت سلیمان (ع) و تلمیحات داستانی این شخصیت مذهبی و اشاراتی نیز به حضرت علی (ع) است.

چه صخره از آن کار آگاه شد	به افسون [و] تَبُّل بر ماه شد
به‌سان سلیمان بیاراست تن	به نزد جراده شد آن اهرمن
گرفت از کف ماه انگشتری	به انگشت خود کرد بی‌داوری
بیامد به تخت شهی در نشست	جهان گشت جمله ورا زیردست

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ابیات ۳۴۶۲-۳۴۶۵)

نقالی، از هنرهای ایرانی، رابطه‌ای تنگاتنگ با ادبیات دارد. یکی از وظایف هنر و ادبیات نشان دادن آداب و رسوم یک قوم و یک ملت است.

نقالی هنری است مردمی و شفاهی و دقیقاً به‌همین دلیل چگونگی آن در موضوع فنون، سرگرمی‌ها، و به‌طور کلی تاریخ یا فرهنگ عامیانهٔ مردم ایران بررسی می‌شود که غالباً نیز با کمبود اسناد دقیق و اشارات جزئی روبه‌روست، ولی با توجه به دامنهٔ حضور و نفوذ این فن هرچند مردمی / عامیانه در برهه‌ای از تاریخ ایران نمی‌توان پذیرفت که ادبیات و هنر رسمی زمان از تأثیر آن به‌دور مانده باشد (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۳۴).

در متن زرین‌قبانامه این هنر عامیانه و انتقال آداب و رسوم به خواننده بسیار پررنگ است.

همان نیز حورانه پوشید ساز	سمن ناز مه‌پیکر و دل‌نواز
زلاله‌رخان چارصد ماه‌روی	سلح‌پوش گشتند با نامجوی

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ابیات ۱۹۵۵۱-۱۹۵۵۲)

نشستند بر بادپایان همه	شبان گشت گرشسب و ایشان رمه
زره‌پوش و نیزه گرفته به دست	گرفته پس و پیش آن پیل مست

(همان: ابیات ۱۹۵۵۴-۱۹۵۵۵)

ابیات ذکرشده از بخش عاشق شدن سمن‌ناز با گرشاسب است (همان: ۱۱۰۱)؛ سمن‌ناز به دیدار گرشاسب می‌رود و برای رفتن آدابی را رعایت می‌کند. این ابیات نشان از آداب و رسوم دیدار در آن زمان دارد.

هم‌چنین نقالی باتوجه‌به ابزار نقل در اختیار نقال و شیوه اجرا به چهار گروه طبقه‌بندی می‌شود: ۱. نقل با استفاده از متون مکتوب، ۲. نقل موسیقایی، ۳. نقل با استفاده از تصاویر، ۴. نقل نمایش (ناصربخت، ۱۳۸۸: ۱۵۹). از این میان باتوجه‌به متن *زرین‌قبانامه* می‌توان گفت: این متن از نوع «نقل با استفاده از متون مکتوب» است.

این شیوه نقل که در میان نقالان آن می‌توان افرادی غیرحرفه‌ای را نیز مشاهده نمود ابتدا از مجامع و محافل خصوصی و به‌ویژه از پای کرسی‌های منازل آغاز گشت؛ آن‌جا که افراد باسواد خانواده و طایفه با خواندن متونی چون *شاهنامه* و *خمسه نظامی* و بعدها *داستان‌های حسین* کرد شبستری و *رموز حمزه* شب‌های سرد و طولانی زمستان را کوتاه‌تر می‌نمودند، اما این شیوه نقل تنها به جمع‌آشنایان خلاصه‌نشده و از میان این قصه‌گویان آنان که صدایی گرم‌تر و تبحری بیش‌تر داشتند چنان‌قد کشیدند که برخی آوازه‌شان از ایل و طایفه فراتر رفت و در سرتاسر کشور پیچید؛ مانند: «مولانا فتحی» از *شاهنامه‌خوانان* دوران صفوی که در دربار و قهوه‌خانه‌های معروف جایی برای خود پیدا کردند (همان).

متن کتاب *زرین‌قبانامه* بی‌تأثیر از متون شفاهی و نقل سینه‌به‌سینه نبوده است.

کنون ای نویسنده داستان سخن بشنو از گفته باستان

(*زرین‌قبانامه*، ۱۳۹۳: بیت ۱۶۵۱۱)

کنون ای نویسنده داستان یکی داستان بشنو از باستان

(همان: بیت ۱۶۷۶۴)

ابیات بالا نشان از نقل روایات شفاهی برای شاعر دارد و از نوع «نقل با استفاده از متون مکتوب» به حساب می‌آید. گویی کسی داستان‌ها را برای شاعر روایت کرده و او آن‌ها را به‌نظم کشیده است (همان: ۵۵).

۴. عصر صفویه

پیدایش سلسله صفویه در تاریخ ایران اهمیت ویژه‌ای دارد؛ از جمله: ایجاد یک‌پارچگی و وحدت ملی، پیش‌رفت هنر و صنعت، و مهم‌تر از همه رسمی‌کردن مذهب تشیع در کشور.

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۳۷

اعلام تشیع اثنی عشری یا دوازده امامی در ۹۰۷/۱۵۰۱ به عنوان مذهب رسمی کشور تازه تأسیس صفویه، که هنوز پایه‌های خود را تحکیم نکرده بود، از سوی شاه اسماعیل در تبریز مهم‌ترین تصمیم او بود. تشیع اثنی عشری شالوده‌ی یکی از پایه‌های قدرت رهبران صفویه بود، یعنی ادعای آن‌ها مبنی بر این که امام دوازدهم مهدی (عج) (اگر نه خود امام) هستند؛ کیش علی (ع) حداقل از قرن سیزدهم/ هفتم وابستگی نزدیکی با پیشرفت تصوف ایرانی یا باطنی‌گری اسلامی یافته بود و مقام مرشد کامل دومین پایه قدرت رهبران صفویه بود؛ سرانجام با اظهار این مطلب که حسین (ع) پسر کوچک‌تر علی (ع) با دختر یزدگرد سوم آخرین شاه ساسانی ازدواج کرده است، شیعیان خاندان علی (ع) را میراث کهن سلطنت در ایران و حق الهی شاهان ایران که منشأ آن «فر ایزدی» بود پیوند داده بودند (سیوری، ۱۳۸۹: ۲۶).

بدین ترتیب، همه عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و از همه مهم‌تر دینی باعث شدند تا حکومت صفوی نضج بگیرد و پس از سال‌ها این عوامل برای یک پارچه کردن ایران دست به دست یکدیگر دادند. شاه اسماعیل صفوی برای نظام بخشیدن به یک مذهب دینی در ایران دلایلی داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به دلایل سیاسی اشاره کرد. در آغاز دولت صفوی بیش‌تر ایرانیان سنی بودند و با سیاست مذهبی شاه ایران مخالفت می‌کردند.

... شاه اسماعیل برای برقراری وحدت مجدد سیاسی ایران بایستی بر روی عناصر شیعه تکیه زند. شاه اسماعیل که می‌دانست هنوز نفوذ مذهب در عامه مردم تا چه اندازه عمیق است می‌ترسید روزی عناصر سنی که اکثریت جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهند بتوانند بر ضد قدرت خاندان صفوی قیام کنند ... (شیبانی، ۱۳۴۶: ۸۰).

بنابراین نقالی راهی برای تبلیغ مذهب در دوران صفوی شد و به خوبی توانست از پس این مهم برآید. هنگام نوحه‌خوانی‌های نقال از پیامبر و ائمه حکومت نیز به اهداف سیاسی خود دست می‌یافت. «در این زمان، نه تنها مردم کوچه و بازار مشتاق شنیدن قصه‌ها از زبان قصه‌گویان بوده‌اند، بلکه دولت مردان و پادشاهان و وزیران نیز از طالبان پروپاقرص آن بوده‌اند» (نجم، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۲). این گونه تأسیس قهوه‌خانه در زمان صفویه باعث رشد ادبیات شفاهی شد. چنان که گفته شد، شاه عباس نقالان دوره گرد را در قهوه‌خانه‌ها جای داد و هر قهوه‌خانه‌دار را ملزم کرد که در قهوه‌خانه خود نقالی داشته باشد تا مشتریان را سرگرم نقل کند و از این طریق افکار را تحت کنترل خود درآورد.

ترکیب مذهب و حماسه در کنار یکدیگر باعث برانگیختن عرق ملی و مذهبی مردم در نقالی شد. بسیاری از نقالان این زمان در هر دو سبک مذهبی و حماسی شعر سروده‌اند و

این از ویژگی‌های مهم قصه و محافل قصه‌گویان شد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، جامعه صفویه در مرکز دارای یک گروه خاص به نام قزلباش بود که وظیفه اساسی آن‌ها شرکت در جنگ‌ها و آماده نگاه داشتن روحیه جنگی بود و برای برآوردن این هدف گاه نقالی هم می‌کردند.

قصه‌خوانی در دوران صفویه باعث تبلیغ اغراض سیاسی آنان بود و به حمایت از آن می‌پرداختند. عوامل سیاسی و اجتماعی در دوران صفویه باعث رونق نقالی در ایران شد. در این عصر شاهنامه‌خوانی و قصه‌خوانی در کنار یک‌دیگر در قهوه‌خانه‌ها و کوکنارخانه‌ها و نوعی شاهنامه‌خوانی مجلسی در ضیافت‌ها و مجالس خصوصی شاهان برگزار می‌شد و مواجهه نیز داشت (همان: ۷۵)، البته هنوز نقالی‌هایی در گذرها، میادین، و دیگر محل‌ها غیر از قهوه‌خانه صورت می‌گرفت. شاه‌عباس علاقه فراوان به نقل و نقالی داشت و به اشعار شاهنامه توجه می‌کرد.

نوعی دیگر از هنرهای بازمانده ایرانیان قبل از اسلام و متداول در عصر صفوی هنر قصه‌خوانی و قصه‌گویی بود که صفویان آن را برای تبلیغ اغراض سیاسی خویش مناسب دیدند و به آن روی خوش نشان داده و به حمایت از آن پرداختند (عاشورپور، ۱۳۸۹: ۲۳۲).

در ضمن این وقایع، علمای دین در دوران صفویه رواج نقالی و شاهنامه‌خوانی را نقض و قصه‌خوانی، شاهنامه، نقالی، و ... را حرام اعلام کردند و معتقد بودند این کارها فقط پیروی از شیطان است و برای آن از امامان روایات و اخبار منقول طرح می‌کردند. نقالان و داستان‌گزاران نیز برای توجیه این کار عناصر سامی - اسلامی را در داستان‌ها وارد کردند (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۲۸).

این عناصر سامی - اسلامی، مانند شخصیت سلیمان (ع)، در داستان زرین‌قبا نامه دیده می‌شود و یکی از عناصر مهم و اصلی داستان است که به آن خواهیم پرداخت. توجه به دین و مذهب در سطح کلان ساختار کلی جامعه صفوی را در عهد نویسنده زرین‌قبا نامه تشکیل می‌دهد و گفتمان غالب جامعه دین‌گرایی است. مذهب باعث بستن مدارس و یا گشودن خانقاه‌ها می‌شود. در زرین‌قبا نامه تحت چنین تأثیری به نگارش و سرایش حماسه دینی پرداخته شده است. تحول از حماسه ملی، که اوج آن شاه‌کار حکیم طوس است، و دگرپرسی آن به حماسه عقیدتی، که در سری نظام‌های علی و معلولی زاده زمان و فرهنگ و دوران اثر است، با توجه به نگاه ساختاری نه‌تنها در کلیت اثر، بلکه در

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۳۹

تک تک عوامل و زیرساخت‌های اثر مؤثر بوده است. قهرمان، پیر خردمند، نوع سلوک و منش قهرمانی، شکست‌پذیری قهرمان در برابر پیر خردمند (همان نبی و یا امام در دین)، دشمنان ایده و آیین، و ... متحول شده‌اند.

بازیابی گسترده‌تر ساختار این اثر نشان می‌دهد که *زرین‌قبانامه* زیرمجموعه ادبیات، سپس زیرمجموعه هنر کلامی، و پس از آن زیرمجموعه فرهنگ قرار گرفته است که همه از سرچشمه‌ای واحد تغذیه می‌کنند و خیزآب‌ها به‌مانند امواج در دریای خروشان عصر صفوی قرار دارند. ساختار کلی دینی و مذهبی همه زیرساخت‌ها نیز متأثر از اوست.

۵. تحلیل نقالی *زرین‌قبانامه*

در این بخش با بررسی گفتمان‌های دینی در متن *زرین‌قبانامه* ویژگی‌های نقالی در دوران صفویه را بررسی می‌کنیم. نقالی پس از دوران صفویه در خدمت دین و برای تبلیغ و ترویج دین بوده است.

در نقل مذهبی از قصصی که به‌صورت سینه‌به‌سینه در میان مردم رواج داشته و از دیرباز نقل آن‌ها مرسوم بوده است نیز استفاده می‌کرده‌اند که برخی از آن‌ها در قالب متونی چون سمک عیار، هزارویک شب، و ... به‌مرور زمان و به‌تدریج ثبت و ضبط گردیده‌اند (ناصریخت، ۱۳۸۸: ۱۶۴).

بسیاری از داستان‌های *زرین‌قبانامه* داستان‌هایی‌اند که از پیش روایت شده‌اند. ناصریخت می‌گوید:

برخی نیز از طریق «طومار»هایی که نقالان پیش‌کسوت نوشته و به‌دست شاگردان خویش سپرده‌اند به‌دست ما رسیده‌اند؛ طومارهایی که حتی برخی از ویژگی‌ها و شگردهای اجرایی نقل را نیز با بررسی دقیق آن‌ها می‌توان دریافت و با مقایسه آن‌ها با آنچه در ادبیات رسمی آمده است می‌توان روند تغییر و تحولات این قصص را مورد بررسی قرار داد. قصص مندرج این طومارها ساختاری زنجیره‌مانند، ویژگی اصلی قصه‌های کهن، را دارند. ساختاری که در آن حوادث عمدتاً بدون ارتباط علت و معلولی و تنها با حضور قهرمان در ماجراهای گوناگون به یک‌دیگر متصل‌اند. «شگفتی» و «اعجاب» را در مخاطب برمی‌انگیزد و موجب «تعلیق» می‌گردد ... (همان).

این ویژگی در متن نقالی *زرین‌قبانامه* دیده می‌شود. داستان‌های گوناگون که به متن اصلی ربط داده شده‌اند و موجب «تعلیق» خواننده می‌شوند. نقالان با این شیوه فرصت

بیش‌تری برای نگه‌داشتن مکان نقالی به‌دست می‌آوردند، بنابراین، بیش‌تر ارتزاق می‌کردند. شهرزاد قصه‌گو با این فرصت توانست خود و هم‌راهانش را نجات دهد. علل گوناگون باعث کش‌دادن داستان نقالی می‌شد. این موضوع باعث پدیدآمدن ساختار داستان‌های «قصه‌درقصه»، «تودرتو»، و «موزاییکی» در جهان شد (همان: ۱۶۵).

برفتند هر کس به آرام خویش ندانسته آغاز و انجام خویش
دگرباره‌گردم سوی داستان بگویم که چون بود آن داستان

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ابیات ۱۴۲-۱۴۳)

در زرین‌قبانامه نیز این ساختار «تودرتو» دیده می‌شود. ساختار تودرتو و زنجیره‌مانند متون نقالی، که باتوجه‌به حرکت دایره‌وار هستی‌طراحی شده و فرجام داستان هزاران‌بار شنیده‌شده آن کاملاً برای مخاطب روشن است و بارها قصه‌های فرعی با الگوهای تکراری حلقه‌ای بر حلقه این زنجیره می‌افزایند، خود اولین نشانه در عرصه این هنر به‌شمار می‌آید (همان). بسیاری از داستان‌های زرین‌قبانامه حول یک محور می‌چرخند، در داستان‌های گوناگون جنگ با جادوها و دیوها با نام‌های مختلف مطرح می‌شود، و از آغاز داستان تا پایان داستان مبارزه بین بدی و خوبی در جریان است و قطعاً پیروزی از آن خوبی است.

نقال در طول اجرای نقل داستان را بارها متوقف می‌کند و اشعاری مناسب آن لحظه می‌خواند، داستانی کوتاه یا لطیفه‌ای میان نقل و یا پند و عبرتی در پایان آن جای می‌دهد، و حتی در لحظات خاص و به مناسبت‌های مختلف میان نقل حماسی و یا در پایان آن روضه می‌خواند (نجم، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

از ویژگی‌های داستان‌های ایرانی به پیروی از داستان‌های شرقی ساختار اپیزودیک آن است. زرین‌قبانامه نیز از این ویژگی مستثنا نیست.

گاه این ساختار اپیزودیک در زرین‌قبانامه و آوردن داستانی درمیان داستانی دیگر باعث بی‌حوصلگی خواننده می‌شود. در نقالی این ویژگی معمولاً برای آن به‌کار می‌رود تا مردم در شب آینده دوباره به قهوه‌خانه‌ها بیایند و به پای صحبت نقال بنشینند. هرکدام از این ساختارهای اپیزودیک و تودرتو را می‌توان بر پرده نقالی نقاشی کرد و یک شب نقالی را با آن برگزار کرد. در ابتدای داستان‌ها جملات آغازین متناسب با شروع نقالی است.

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۴۱

شنیدند گردان آن بارگاه بشد رنگ در روی شاه و سپاه
پس آن گاه خسرو برآورد سر به پاسخ چنین گفت با نامور

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ابیات ۵۸-۵۹)

ضرب حماسی زرین‌قبانامه و وزن آن «فعولن فعولن فعولن فعل» در بحر متقارب مثنی محذوف نیز مطابق و مناسب با آهنگ نقالی است. در کتاب‌ها و مقاله‌های پژوهشی در حوزه نقالی به هنگام بیان ویژگی‌های نقالی به روش اجراء، نوع نقالی، و از این دست پرداخته شده، اما ساختار ویژگی‌ها بررسی نشده است. در این مقاله این ویژگی‌ها در متن نقالی زرین‌قبانامه به صورت محدود بررسی شده‌اند تا ارتباط گفتمان‌های دینی عصر صفوی با هنر نقالی آشکار شود.

۱.۵ ساختار ظاهری نقالی در زرین‌قبانامه

سبک این حماسه مطابق با سبک نقالی عامیانه و روایت‌گراانه است و در یک نگاه: ۱. پیرنگ دارد (کامل است / بسته)؛ ۲. شخصیت‌های اصلی آن سلیمان، زرین‌قبا، و رستم‌اند؛ ۳. از لحاظ حقیقت‌مانندی، دور از حقیقت ولی باورپذیر است؛ ۴. درون‌مایه آن این است که حق و باطل در جدال همیشگی‌اند؛ ۵. موضوع آن حماسه ملی - مذهبی است؛ ۶. زاویه دید اصولاً سوم شخص (دانای کل / بیرونی) است؛ ۷. زمان واضح بیان نشده است و با توجه به ابعاد اساطیری و نیز نشانه‌های دینی نمی‌توان زمان دقیقی را برای آن متصور شد؛ ۸. مکان بیت‌المقدس، ایران، چین، و کوه قاف است (مکان گاه اساطیری و گاه عینی است)؛ ۹. گفت‌وگو دارد؛ ۱۰. لحن روایی / قهرمانانه و حماسی است؛ ۱۱. فضا و رنگ با کلیت پیرنگ و گونه ادبی (حماسی) تاحدودی هم‌خوانی دارد.

ویژگی‌های خاص نقالی که باید از آن‌ها سخن گفت عبارت‌اند از:

۱.۱.۵ جنگ هفت‌لشکر

لاری گوینده دوران قاجار می‌گوید:

آن چون شه روم و غزه روس این رستم و جنگ هفت‌لشکر

از «جنگ هفت‌لشکر» یاد کرده که از روایات بسیار معروف نقالی است، در آن چند سپاه درمقابل یک‌دیگر می‌جنگند. این داستان از روایت‌های مهم نقالی است (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۳۶).

داستان‌پرداز زرین‌قبانامه روایات گوناگون این منظومه را با داستان صفاآرایی هفت و گاه هشت لشکر در دشت ری پیونده داده است که گواه بسیار مهم ماهیت نقالی - عامیانه داستان‌های این اثر است و هم‌چنین گواه شهرت این روایت در میان راویان و شنوندگان عصر صفوی (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۵۴).

۲.۱.۵ ویژگی‌های روایات / طومارهای نقالی

دربارهٔ مآخذ طومارهای نقالی باید گفت:

روایات طومارهای نقالی به‌طور کلی از چهار مأخذ اصلی مایه گرفته است: ۱. شاهنامه و منظومه‌های پهلوانی پس از فردوسی، ۲. پاره‌ای اشارات منابع تاریخی دربارهٔ موضوعات ملی و پهلوانی ایران، ۳. اندوخته‌های ذهنی نقالان که خود آمیزه‌ای از خواننده‌ها و شنیده‌های آن‌ها با قوهٔ خیال‌پردازی ایشان است، ۴. طومارهای نقالان پیشین (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۵۲).

این ویژگی طومارهای نقالی در زرین‌قبانامه دیده می‌شود. داستان گرفتار شدن مهاکار دیو، از یاران عفریت، به‌دست رستم (زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ایات ۴۳۹۷-۴۴۰۴) در زرین‌قبانامه می‌تواند از داستان خوان پنجم رستم در شاهنامه الگوبرداری شده باشد (همان: ۱۶۶). یا داستان شمپلاس که به ایران می‌آید و شبرنگ بهزاد را می‌دزد (همان: ایات ۷۷۴۲-۷۸۷۳) مشابه کاری است که پدرش در طومارهای نقالی انجام داده است (همان: ۱۶۹). پیش‌ازاین نیز گفته شد که بسیاری از این داستان‌ها از روایات شفاهی و سینه‌به‌سینه‌اند.

۳.۱.۵ تکرار

«بیان» یکی از ویژگی‌های نقالی است. «حرکت» با تکرار واژه‌ای در نقالی صورت می‌گیرد. مانند: «رفت و رفت و رفت» (اشکوری، ۱۳۵۴: ۱۴۲).

که با من نگویی ز نام و نژاد نباشد چنین رسم مردان راد
چنین است رسم دلاورگوان که گویند با هم ز نام و نشان

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ایات ۱۱۷۵۱-۱۱۷۵۲)

۴.۱.۵ کلمات در نقالی

گاه در متن نقالی کلماتی که نشان‌دهندهٔ اصطلاحات و آیین‌های دوران است استفاده می‌شود (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۶۵). عدد چهل در این منظومه به‌صورت «چهل گرز» (زرین‌قبانامه،

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۴۳

۱۳۹۳: بیت ۱۶۹۷)، «کشته شدن چهل پادشاه» (همان: بیت ۱۹۵۷)، و ... تکرار شده است. «چهل» عددی نمادین و پرتکرار در فرهنگ، ادب، و آیین‌های مردم در گوشه‌گوشه جهان و هم‌چنین ایران است. «این عدد با معدودهای گوناگون غالباً در داستان‌های عامیانه و نقالی دیده می‌شود» (همان: ۶۰).

۵.۱.۵ اغراق از ویژگی‌های حماسی و نقالی

اغراق و مبالغه از عناصر مهم نقالی به‌شمار می‌آیند. «... به تقلید از شاهنامه مبالغه‌های شکوهمند و زیبا ... و هم بزرگ‌نمایی‌های گزافه‌گونه متأثر از گرشاسب‌نامه» (همان: ۹۰).

همان از پدر بود در کین فزون بروبازویش بُد گه بیستون

(همان: بیت ۱۴۵۳۹)

به ضربی که لرزید گاو زمین ز نیروی بازوی آن شیر کین

(همان: بیت ۹۹۳۵)

«اغراق و مبالغه در متون و آثار حماسی جهان از عناصر مهم حماسی است؛ توسل به مبالغه و اغراق در نقل حماسی امری واجب، ضروری، و انکارناپذیر است» (عاشورپور، ۱۳۸۹: ج ۴، ۱۳-۱۵).

۶.۱.۵ انطباق با ویژگی نقالی ایرانی

نقالی ایران دو ویژگی منحصربه‌فرد دارد: نخست، منابع نوشتاری کهن و ریشه‌های عمیق آن در فرهنگ ایران؛ دوم، تداوم نقالی و توانایی آن در پس بسیاری از تحولات فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی، و بهره‌گیری از فنون ارتباطی عصر (نیوندی، ۱۳۸۸: ۱۸۵). چنان‌که گفته شد، بسیاری از داستان‌های زرین‌قبانامه منابع مکتوب دارند. در بسیاری از این داستان‌ها به مسائل فرهنگی، اجتماعی، و عقیدتی عصر صفوی پرداخته شده است.

چنین گفت گوینده داستان که گل چید از گشت این بوستان

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: بیت ۱۸۷۷)

مسائل فرهنگی و اجتماعی و آداب جنگ در این ابیات دیده می‌شود:

تهدمتن چو رخشش برآمد ز جا یکی حمله آورد رزم‌آزما
برآورد کویال، ساطور جنگ در انداخت بر تارک تیز چنگ

مسائل عقیدتی، هم‌راهی رستم و سلیمان، شخصیت پهلوانی، و شخصیت مذهبی در این بیت دیده می‌شود:

سلیمان ز رستم سخن گوش کرد بدانست داناست بیدارمرد
(همان: بیت ۱۰۳۱)

بنابراین، این متن نمونه‌ای از متون ریشه‌دار فرهنگی ایران در دوران رواج نقالی یعنی عصر صفوی است که به تحولات فرهنگی، اجتماعی، و عقیدتی عصر خود می‌پردازد.

۲.۵ گفتمان‌های نقالی در زرین‌قبانامه

۱.۲.۵ ویژگی‌های حماسه‌دینی

از مهم‌ترین گفتمان‌های حماسه‌های دینی دشمنان و مخالفانی‌اند که در تضاد با باورها و منافع دین‌ها قرار دارند. در حماسه‌ زرین‌قبانامه سلیمان نبی (ع) در رأس و بعد از آن قهرمانان او، یعنی رستم و زرین‌قبا، در جبهه‌ دین و سپس دیوها، جادوها، و ... در جبهه‌ دشمنان قرار دارند. شرح جنگ‌ها و دلاوری‌های جبهه‌ دین در برابر جبهه‌ دشمن با اهدافی خاص بیان شده‌اند.

یکی از ساختارهای برجسته‌ حماسه‌های دینی پافشاری قهرمان بر آیین حق و شجاعت است. در حماسه‌ دینی زرین‌قبانامه سلیمان نبی (ع) رستم را پیام‌آور خود می‌کند تا کشورها و نواحی اطراف را به راستی و درستی فرابخواند. «نبرد در راه دین دست‌مایه‌ آفرینش حماسه‌های دینی است و برای ابقای دین بر عموم مردم جامعه واجب است» (قاسم‌زاده و عارفی، ۱۳۹۱: ۳۵۰). در پایان داستان، رستم از اسیران معاند درخواست می‌کند به دین توحیدی و یکتاپرستی روی آورند، اما آنان قبول نمی‌کنند و به دستور شاه ایران اسیران به دار آویخته می‌شوند.

پیروزی نهایی دین بر مخالفان آن از گفتمان‌های مهم حماسه‌های دینی است: «حق بر باطل پیروز شدن یکی از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری و حماسه‌های دینی است که مبارزان را به مقاومت از دین سوق می‌دهد» (همان: ۳۵۶). بنابراین، این دو مسئله باعث برشمردن زرین‌قبانامه در متون حماسی دینی است.

۲.۲.۵ نقالی حرف دل مردم زمانه

از ارزش‌های نقالی بیان حرف دل مردم زمانه است. خواستن‌ها و نخواستن‌ها و آنچه را نتوانند بازگو کنند در این مراسم در قالب داستان یا مثل بازگو می‌شود، مانند ندای آزادگی در

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۴۵

داستان (رازی، ۱۳۹۰: ۹۲). در *زرین‌قیانامه* به علت ساختار ایزودی با گستردگی موضوعات داستانی مواجه‌ایم و نمی‌توان موضوعی خاص را برای آن تعیین کرد که از زبان مردم روزگارش بیان شده باشد، بلکه در آن به موضوعات مختلف پرداخته شده است، اما دو موضوع در آن غالب است: نخست، تعلیم مبارزه خوبی با پلیدی؛ دوم، تبلیغ دین حضرت سلیمان (ع).

تو ای اهرمن اندر این بارگاه چه نابخردان آمدی کینه‌خواه
سرت را بگویم که تا از بدن ببرند گردان این انجمن

(*زرین‌قیانامه*، ۱۳۹۳: ابیات ۶۹۰۹-۶۹۱۰)

پس از وی سلیمان چو برشد به تخت بدو گشت آسان همه کار سخت
نه دین دگر داد او را خدا که ما را به دین او شود ره‌نما

(همان: ابیات ۶۴۹-۶۵۰)

۳.۲.۵ دعا در آغاز مجلس نقالی

«نقلان در آغاز مجلس نقل و نیز گاه‌گاهی در میانه داستان برای کسان، موضوعات، و آرزوهای گوناگون از حاضران طلب صلوات می‌کردند یا عبارات دینی و دعایی مشابه به‌کار می‌بردند» (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۴۴). دعا در آغاز مجلس نقالی از گفتمان‌های رایج دینی است. این دعا در قالب خواستار خوبی و مرحبا گفتن نیز در متون نقالی دیده می‌شود.

بسی آفرین کرد بر تخم سام پسندید او را علیه‌السلام

(*زرین‌قیانامه*، ۱۳۹۳: بیت ۱۰۳۲)

۴.۲.۵ عناصر سامی - اسلامی

همان‌طور که گفته شد، در عصر صفوی علما در کنار *شاهنامه‌خوانی* با نقالی نیز مخالفت می‌کردند. آنان معتقد بودند که خواندن *شاهنامه* و نقالی متمایز از شعائر اسلام است و شنیدن قصه‌های رستم عبادت شیطان محسوب می‌شود. بنابراین، داستان‌پردازان برای درمان‌ماندن عناصر سامی - اسلامی و شیعی را در متون وارد کردند تا از بار مخالفت علما بکاهند. مردم نیز ترکیب این دو عنصر (پهلوانی و دینی - ملی) را به علت وابستگی به هر دو پذیرفتند (همان: ۱۳۸-۱۳۹). عناصر سامی - اسلامی در روایت‌های نقالی به دو بخش تقسیم می‌شوند: ۱. شخصیت‌ها در ضمن روایات به شیوه‌های گوناگون با پیامبران، امامان، و

آیین‌های اسلامی مرتبطانند، ۲. نقالان شخصیت‌ها را به این رابطه‌ها پیوند داده‌اند (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۶۳). در مجموع ارتباط شخصیت‌ها با عناصر سامی - اسلامی در موارد زیر مشاهده‌شدنی است:

۱.۴.۲.۵ نقش حضرت سلیمان (ع)

حضرت سلیمان و متعلقات او از پرتکرارترین و مشهورترین عناصر شخصیتی سامی - اسلامی در ادب فارسی است. او با جمشید، پادشاه پیشدادی، در بسیاری از متون هم‌سان‌انگاری شده است. در بعضی منابع با کیخسرو برابر دانسته شده، اما در منابع نقالی به‌خصوص از عصر صفویه نقش او در متون پرننگ‌تر شده است (زرین‌قبا نامه، ۱۳۹۳: ۱۴۰). نام او (با عنوان سلیمان) در متن *زرین‌قبا نامه* ۱۱۲ بار تکرار شده است. در این متن زرین‌قبا موظف به پذیرفتن دین سلیمان می‌شود. رستم نیز با حضرت سلیمان (ع) ارتباطی در قالب ترویج مذهب دارد. داستان‌های مرتبط با حضرت سلیمان (ع) مانند دزدیدن انگشتری او به دست صخر دیو و آوارگی‌های او و قصه‌های عامیانه دیگر مرتبط با مذهب نیز در متن آورده شده‌اند. گذشتگان ما بسیار علاقه‌مند بودند او را با محبوب‌ترین شاه ایرانی، کیخسرو، و بزرگ‌ترین یل داستانی ایران، رستم، برابر بدانند (همان: ۱۴۰-۱۴۱).
رابطه رستم و سلیمان:

تهمت از آن جایگه بازگشت به نور سلیمان سرافراز گشت

(همان: بیت ۹۲۲)

سلیمان و متعلقات او:

به هر کس که گویم سلیمان منم به خاک و به خون اندر آرد تنم
ندانم کدامین دیوان ز کین گرفت از من او تاج و تخت و نگین

(همان: ابیات ۳۴۹۰-۳۴۹۱)

برخی از حاضران مجالس نقالی در عصر صفوی و قاجار، ادوار اوج گسترش و نفوذ مذهب تشیع در ایران، می‌پسندیدند که شخصیت‌های داستانی موردعلاقه‌شان مسلمان و شیعه‌مذهب باشند. این ویژگی فراتر از در حد خواست و پسند بود و بعضی بدون توجه به مسائل تاریخی حتی معتقد بودند که شهریاران و یلان ملی آنان مسلمان بوده‌اند و سخنی یا روایتی جز این را نمی‌پذیرفتند! (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۶۲).

۲.۴.۲.۵ معاصرت و اختلاط شاهان و پهلوانان با پیامبران

در آمیختگی بعضی شه‌ریاران و یلان باستان ایرانی با پیامبر سامی از ویژگی‌های سنت تاریخ‌نویسی اسلامی است. احتمال می‌رود علت اصلی این در آمیختگی مقابله با اندیشه متعصبانه کسانی باشد که می‌خواستند به رد و انکار اخبار پهلوانی ایران پردازند. حضرت سلیمان در داستان‌های ملی - پهلوانی ایران در منابع معتبر پیشینه‌ای کهن و مشهورترین آمیختگی را با جمشید دارد (همان: ۶۴).

در متن *زرین‌قبانامه*، علاوه بر آمیختگی حضرت سلیمان (ع) و کیخسرو، شاهان و یلان دیگر نیز با انبیای اولوالعزم یک‌سان دانسته شده‌اند:

چه طهمورث آن نامور پهلوان نشست از بر تخت روشن روان
پیمبر در آن روزگار دراز بُدی نوح پیغمبر سرفراز

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: آیات ۶۲۴-۶۲۵)

۳.۴.۲.۵ اعتقادهای سامی و اسلامی اشخاص داستانی

در *زرین‌قبانامه* ایرانیان کلیمی خوانده شده‌اند. شاه و پهلوانان ایرانی به تبعیت از اوضاع دینی زمان مسلمان نامیده شده‌اند. رستم و گیو در این منظومه ایرانیان را به دین حضرت موسی (ع) فرامی‌خوانند:

به دین کلیمیم ما نیز هم نباشیم از دین موسی دژم

(همان: بیت ۷۶۹)

شب و روز خوانیم یک سر زبور که در وی بود حمد رب غفور

(همان: بیت ۱۸۶۹)

رحمان پیر از یاران حضرت سلیمان لوحی را پیش زال می‌برد که در آن نوشته شده است: زال تا زمان پیامبری حضرت محمد (ص) زنده می‌ماند و از او و سپاهیان‌ش می‌خواهد تا به دین اسلام روی بیاورند و زال اقرار می‌کند که مسلمان شده است:

مانی چنین تا به آخر زمان که آید محمد پدید از نهران

(همان: بیت ۱۵۹۹۰)

و تا بیت ۱۵۶۰۰ این داستان ادامه پیدا می‌کند.

زال هنگام مناجات از رسول اکرم و دوازده امام نام می‌برد (همان: ابیات ۱۴۰۶۳-۱۴۰۷۲)، رستم مبلغ دین است (همان: ابیات ۸۵۰۸-۸۵۲۲)، خورشید دختر زال نیز هنگام راز و نیاز به حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) و فرزندان ایشان توسل می‌جوید (همان: ابیات ۱۸۲۵۵-۱۸۲۶۳).

در مبحث نقالی پس از اسلام، درباره چگونگی شکل‌گیری «مناقب‌خوانی و فضایل‌خوانی»، مناقب‌خوانان شیعی مذهب با اعتقاد به جانشینی و امامت بلافصل حضرت علی (ع) پس از پیامبر اسلام (ص) در مدح خصایل و اعمال بی‌مانند حضرت علی (ع) و عقاید شیعه قصه‌ها و مدیحه‌هایی به شعر در اماکن عمومی می‌خواندند و درمقابل آن‌ها فضایل‌خوانان هم در مدح سه خلیفه عمر، عثمان، و ابوبکر اشعاری می‌خواندند و قصه‌هایی نقل می‌کردند (نجم، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

به حق محمد که از نور او	جهان گشت موجود زشت و نکو
که پیغمبران جمله بر درگهش	ستاره همه خاک‌بوس رهش
ز نورش همه سروری یافتند	از او جمله پیغمبری یافتند
به پور عمش صاحب ذوالفقار	علی ولی شاه دلدل سوار
خدا عالم از بهر او آفرید	وگر نه بُد اندر عدم ناپدید
شده خیبر از بازوی او خراب	بخواندش رسول خدا ابوتراب

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ابیات ۱۰۷۴۹-۱۰۷۵۴)

۵.۲.۵ زرین‌قبانامه و گفتمان سیاسی و دینی صفوی

همان‌طور که گفته شد، نقالی به صورت آنچه امروزه مرسوم است در زمان شاه‌اسماعیل صفوی رونق گرفت. او نقالی را برای رواج و رسوخ مذهب شیعه اثنی‌عشری رواج داد.

برای این کار هفده سلسله را مأمور کرد که هرکدام در جایی و به لباسی و به طرزى جداگانه مقصود او را تبلیغ کنند و مثلاً بعضی مداحی ائمه را می‌کردند و بعضی در زورخانه‌ها شعری می‌خواندند و دسته‌ای مانند قاضی‌های قشونی برای قشون سخن‌سرایی می‌کردند و آداب شریعت و رسوم ملی و پهلوانی را می‌گفتند و همه این دسته‌ها برای آن که مردم را به سخن خود جلب کنند و مدح و ثنایی که از آل‌علی می‌کنند توی ذوق مردم نخورد، ناچار داستان‌ها و روایات پهلوانی را جانشین سخن خود می‌کردند و رفته‌رفته این کار، یعنی داستان‌گویی، خودش رواج گرفت و بعدها دیدند که خیلی اهمیت دارد ... (به نقل از اشکوری، ۱۳۴۵: ۱۴۶).

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۴۹

در متن زرین‌قبا نامه رستم (قهرمان ملی) و زرین‌قبا (پهلوان مذهبی / نوۀ رستم) درکنار سلیمان (ع) شخصیت مذهبی قرار گرفته‌اند تا ترویج مذهب در دوران خود و زنده‌نگه‌داشتن قهرمانان ملی را در ایران یک‌جا همراه متن کنند.

نترسم ز کس روز پیکار و کین مگر ترس دارم ز جان‌آفرین
بیسته سلیمان به بازوی من [رستم] طلسمی به مردی و نیروی من
(زرین‌قبا نامه، ۱۳۹۳: ابیات ۶۱۳-۶۱۴)

بشد رستم زال و دستان سام به پیش سلیمان علیه‌السلام
(همان: بیت ۸۲۰)

خلاصه این‌که، منظومۀ زرین‌قبا نامه راهی برای ترویج گفتمان دینی و سیاسی دوران صفوی و سیطرۀ تفکری تلفیق دین و سیاست با یکدیگر است که آن هم در تقویت مفهوم حاکمیت خداوند است.

سلیمان و کیخسرو پاک‌تن به یک جا نشینند در انجمن
(همان: بیت ۲۵۳۲)

در تأیید این گفتمان‌ها باید به این نکات اشاره کرد:

الف) مطیع شدن زرین‌قبا در برابر پادشاه ایران:

درآمد دگر گرد زرین‌قبای بیاورد خاقان بی‌دین و رای
بر شاه ایران فرو برد سر شهش داد خفتان و تاج و کمر
به شه گفت کای نامور شهریار یکی آرزوی دلسم را برآر
شهش گفت برگو چه چیز است آن که تا آرزویت برآرم روان
دعا کرد ای شاه با تاج و تخت گه زبید تو را افسر و فر و بخت

(همان: ابیات ۲۲۹۵۸-۲۲۹۶۲)

ب) صخر جنی علاوه‌بر به‌یغما بردن انگشتی سلیمان نبی (ع) مهره و جام کیخسرو را نیز می‌دزدد. این نشان از پیوند دیانت و سیاست، حکومت دینی، و اقلیمی دارد:

که من سوی مشرق شتابم به کین بگیرم از او مهره، جام و نگین

(همان: بیت ۶۶۲۲)

ج) در پایان، تعلیق و کشمکش زرین قبا با سپاه ایران خاتمه می‌یابد و پادشاهی و دیانت در نقطه‌ای هم‌سو می‌شوند:

شهنشاه کیخسرو تاجدار	به رستم بگفت آن جوان را بیار
دلیران زابل به فرمان شاه	کشیدند آن گرد فرخ همال
به خرگه چه آمد جوان پهلوان	ثنا خواند بر شاه روشن روان
شهنشه ز دیدار او شاد شد	همه درد و اندوهش از یاد شد

۶. نتیجه‌گیری

متون نقالی در شمار ادبیات عامه‌اند و یکی از این آثار زرین‌قبانامه است که منظومهٔ مکتوب پهلوانی نقالی - عامیانه به‌شمار می‌آید و از این حیث در میان عموم مردم اثرگذار بوده است.

تاریخچهٔ نقالی در ایران نشان می‌دهد این فن از پایه با گفتمان‌های دینی ارتباط داشته است؛ چنان‌که در قرن‌های سوم تا پنجم هجری قمری گروهی از ایرانیان با انگیزهٔ مبارزهٔ سیاسی با نفوذ اعراب به نقل داستان‌ها و حکایت‌های حماسی می‌پرداختند؛ با ظهور دو گرایش سنی و شیعه دو گروه مناقب‌خوان (ناقلان روایت‌های مربوط به پیامبر و حضرت علی (ع)) و فضایل‌خوان (ناقلان روایت‌های مربوط به عمر و ابوبکر) در برابر هم قرار گرفتند و در نهایت، با پیروزی مذهب شیعه، نقلان با درآمیختن روایت‌های حماسی و دینی سعی کردند مذهب شیعه را در جهت اتحاد ملی (گفتمان عصر) تبلیغ کنند. حمله‌خوانی، روضه‌خوانی، و سخنوری گونه‌هایی از نقالی‌اند که آشکارا در خدمت گفتمان دینی قرار دارند.

یکی از راه‌های بقا و تبلیغ مذهب شیعهٔ دوازده‌امامی با هدف تشکیل وحدت ملی در عصر صفوی رواج نقالی است، زیرا داستان‌گزاران می‌توانستند در این گفتمان با نقل روایت‌های ملی و افزودن رنگ‌وبوی دینی به آن موجب تهییج روح مردانگی و دلاوری شوند. بنابراین، می‌توان نقش و تأثیر منظومهٔ نقالی زرین‌قبانامه را در این جریان واکاوی کرد.

ترکیب شدن نقالی حماسی و مذهبی با اقدام آشکار شاهان صفوی محقق شد، زیرا آن‌ها گاه سلسله‌هایی مأمور می‌کردند تا با حضور در قهوه‌خانه‌ها، که محل گردآمدن مردم بود، و با استفاده از ابزار داستان‌گویی مذهب شیعهٔ اثنی‌عشری را تبلیغ و ترویج کنند.

نقالی؛ گفتمان فرهنگ دینی در عصر صفوی؛ ... ۱۵۱

منظومه نقالی در زرین‌قبا نامه با دو نوع شعر مرتبط است: شعر تبلیغی - تعلیمی و شعر حماسی - مذهبی. این منظومه به لحاظ محتوا و وظیفه تبلیغ و تعلیم دینی دارد و به لحاظ شیوه بیان از عناصر سامی - اسلامی و روایت‌های حماسی بهره می‌گیرد.

ساختار و شیوه بیان بسیاری از داستان‌های زرین‌قبا نامه در حافظه مردم ثبت شده بود و برای مثال با شیوه قصه‌گویی تودرتو یا استفاده از تعلیق می‌توانست موجب شگفتی شود. افزون‌براین، ضرب حماسی منظومه زرین‌قبا نامه با روش اجرای نقالی تناسب داشته است. انطباق سبک این حماسه با سبک نقالی عامیانه و روایت‌گرانه باعث می‌شد متن مذکور همان تأثیری را داشته باشد که سایر نقالی‌ها در ترویج گفتمان دینی عصر صفوی داشتند.

از لحاظ محتوا، گفتمان‌های خرد در زرین‌قبا نامه با گفتمان مرکزی که همان گفتمان دینی و حماسی است تناسب دارد، زیرا از ویژگی‌های حماسه دینی برخوردار است، از دعا بهره می‌برد، از عناصر سامی و اسلامی استفاده می‌کند، و در نهایت گفتمان سیاسی و دینی عصر صفوی را با روایت‌هایی هم‌چون مطیع شدن زرین‌قبا در برابر پادشاه ایران یا هم‌راه شدن پادشاهی و دیانت در پایان داستان محقق می‌کند.

پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمد نجاری با عنوان «نقد اسطوره‌شناختی زرین‌قبا نامه بر مبنای نظریه یونگ»، به راه‌نمایی ابوالقاسم قوام و مشاوره سجاد آیدنلو، در دانشگاه فردوسی مشهد است.

کتاب‌نامه

- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸). «مقدمه‌ای بر نقالی در ایران»، نشریه علمی - پژوهشی زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، س ۳، ش ۴.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۱). *طومار نقالی شاهنامه*، تهران: به‌نگار.
- اشکوری، کاظم سادات (۱۳۵۴). «نقالی و شاهنامه‌خوانی»، هنر و مردم، ش ۱۵۳-۱۵۴.
- بیضایی، بهرام (۱۳۹۱). *نمایش در ایران*، تهران: روشن‌گران و مطالعات زنان.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸). *قصه‌خوانان در تاریخ اسلام و ایران*، مروری بر جریان قصه‌خوانی، ابعاد و تطور آن در تاریخ اسلام و ایران، تهران: دلیل.
- رازی، فریده (۱۳۹۰). *نقالی و روحوضی*، تهران: مرکز.

- زرین‌قیانامه (۱۳۹۳). به تصحیح سجاد آیدنلو، تهران: سخن.
- سیوری، راجر (۱۳۸۹). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- شیبانی، مجیر (۱۳۴۶). *تشکیل شاهنشاهی صفویه: احیای وحدت ملی*، تهران: دانشگاه تهران.
- عاشورپور، صادق (۱۳۸۹). *نمایش‌های ایرانی*، ج ۴، تهران: سوره مهر.
- غروی، رخند (۱۳۷۱). «نقالی در ایران»، *آشنا*، س ۱، ش ۵.
- قائم‌ی، فرزاد (۱۳۸۹). *شاهنامه‌سرایی و سنت‌های فرهنگی و ادبی در ایران باستان*، مشهد: آهنگ قلم.
- قاسم‌زاده، بهجت و فرزاد حسام عارفی (۱۳۹۰). «مقایسه جلوه‌های پایداری در حماسه دینی یادگار زریران و گشتاسپ‌نامه دقیق»، *ادبیات پایداری*، س ۳، ش ۵-۶.
- ناصریخت، محمدحسین (۱۳۸۸). «نشانه‌ها در نقل ایران»، *مجموعه مقالات نخستین سمینار بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی*، به‌کوشش حمیدرضا اردلان، تهران: نمایش (انجمن نمایش).
- نجاری، محمد و ابوالقاسم قوام (۱۳۹۵). «ظرفیت‌های نمایشی زرین‌قیانامه براساس شخصیت‌پردازی سلیمان نبی (ع)»، *نشریه علمی - پژوهشی کهن‌نامه ادب پارسی*، دوره هفتم، ش ۴.
- نجم، سهیلا (۱۳۸۸). «نقالی حماسی در ایران و جنبه‌های نمایشی آن»، *مجموعه مقالات نخستین سمینار بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی*، به‌کوشش حمیدرضا اردلان، تهران: نمایش (انجمن نمایش).
- نجم، سهیلا (۱۳۹۰). *هنر نقالی در ایران*، تهران: فرهنگستان هنر و انتشارات متن.
- نیوندی، گیتی (۱۳۸۸). «کاربرد نقالی ایران در رسانه‌های جدید»، *مجموعه مقالات نخستین سمینار بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی*، به‌کوشش حمیدرضا اردلان، تهران: نمایش (انجمن نمایش).